

سوالات آیین دادرسی کیفری ۱

- ۱- آن چه بعد از نظام دادرسی تفتیشی رخ داد و امروزه به عنوان اصولی از آن یاد می گردد که حقوق متهم را حفظ می کند چه نام دارد؟
- ۲- در نظام دادرسی اتهامی، بالاترین دلیل چه بود؟ اقرار چه اثری در دادرسی داشت؟
- ۳- نقش شهود در نظام دادرسی اتهامی چه بود؟
- ۴- منظور از غیر علنی بودن دادرسی تفتیشی چیست؟
- ۵- مراحل دادرسی کیفری را نام ببرید. هر کدام از این مراحل اصولاً بر عهده چه مقامی است؟
- ۶- در چه مواردی دادستان و دادیاران نیز حق انجام تحقیقات در کنار بازپرس را دارند؟
- ۷- منظور از تعقیب امر جزایی چیست؟ کدام مقام حق تعقیب را مطلقاً ندارد؟
- ۸- تفاوت دادیار و بازپرس از حیث سلسله مراتب قضایی چیست؟
- ۹- در غیاب دادستان، امر ارجاع شکایات و پرونده ها به شعب دادیاری و بازپرسی با کدام مقام است؟
- ۱۰- در جرایمی مانند تعزیرات درجات ۷ و ۸ و جرایم منافی عفت که دادسرا دخالتی در آن ندارد، تعقیب و تحقیقات مقدماتی بر عهده کدام نهاد است؟

جوابیه آیین دادرسی کیفری ۱

جوابیه ۱- اصول دادرسی عادلانه یا منصفانه

جوابیه ۲-

اقرار. با اقرار متهم، دادرسی خاتمه یافته تلقی می شد. در سیستم اتهامی ابتدا از متهم سوال می شد که آیا اتهام را قبول دارد یا خیر؟ اگر اقرار می کرد همین پاسخ مثبت برای محکومیت وی کافی بود؛ اما اگر قبول نمی کرد، دادرسی آغاز می شد

جوابیه ۳-

اگر متهم اقرار نمی کرد، هر یک از طرفین شهود خود را برای سوگند خوردن حاضر می کردند. اگر متهم و شهود وی سوگند می خوردند، اتهام وارده بی اثر می شد. شهود برای اداء سوگند حاضر می شدند. اگر شهود اتهام زننده قسم می خوردند، متهم برای فرار از مجازات باید تن به آزمایش الهی یا اوردالی می داد. مانند داستان سیاوش

جوابیه ۴-

یعنی تصمیمات قضات به متهم ابلاغ نمی شد و شهود حق شرکت در جلسات دادرسی را نداشتند. برای اخذ اقرار متهم شکنجه در زندان ها آزاد بود. متهم بیشتر اوقات از اتهام انتساب داده شده به خود خبر نداشت و از بدو تحقیقات تا زمان رسیدگی در دادگاه، بازداشت و ممنوع الملاقات بود.

جوابیه ۵-

۱- کشف جرم بر عهده ضابطان دادگستری ۲- تعقیب متهم بر عهده دادستان ۳- تحقیقات مقدماتی بر عهده بازپرس ۴- رسیدگی صدور حکم بر عهده دادگاه ۵- اجرای آراء بر عهده دادستان یا دادیار اجرای احکام یا قاضی اجرای احکام کیفری

جوابیه ۶-

ر مواردی که رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک موضوع ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نباشد. در این نوع جرایم تا حضور بازپرس، دادستان موظف است فقط اقدامات فوری و اولیه را انجام دهد.

جوابیه ۷-

منظور از تعقیب که وظیفه دادستان است، در فارسی به معنای دنبال نمودن است . معنای اصطلاحی تعقیب از معنای لغوی چندان دور نیفتاده است. در واقع دادستان به دنبال متهم است بدون آنکه تحقیق نماید از نظر کاربردی ارجاع امر تحقیقات به دادیار یا بازپرس یا به دادگستری شروع امر تعقیب است. همچنین امر تعقیب به بازپرس هیچ ارتباطی ندارد و نمی توان اموری را که مربوط به دادستان و دادیار است به بازپرس محمول کرد

جوابیه ۸-

در امر تحقیقات مقدماتی مقام بازپرس بالاتر است و صلاحیت تحقیق در هر جرمی را دارد در امر تعقیب و اجرای حکم مقام دادیار بالاتر است و بازپرس حق دخالت در این امور را ندارد. پس اگر در یک حوزه قضایی دادستان غایب باشد و چند بازپرس و دادیار وجود داشته باشد دادیاران امر تعقیب را عهده دار می شوند. پرونده ها را دادیار به بازپرس ارجاع می دهد نه بالعکس .

جوابیه ۹-

دادیار. در بین دادیاران اگر دادستان شخص مشخصی را برای ارجاع تعیین کرده باشد او ارجاع را بر عهده میگیرد و اگر مشخص نکرده باشد دادیاری که سابقه قضایی او بیشتر است جانشین دادستان است.

جوابیه ۱۰-

دادگاه رسیدگی کننده که صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به آن جرم را دارد. مانند دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی یک، دادگاه نظامی دو.

شورای حل اختلاف به جرایمی که مجازات آن ها جزای نقدی درجه ۸ باشد، رسیدگی می کند و امر تحقیقات تا اجرای حکم را رأساً انجام می دهد.

ممکن است در موارد نادر دادگاه تجدید نظر استان نیز رأساً در رسیدگی های خود جهت تکمیل تحقیقات نیز اقدام نماید. مثلاً برای تعیین مقصر حادثه رانندگی برای قرار اجرای امر به هیئت ۵ نفره کارشناسان صادر کننده و بر اساس نظر این هیئت که ممکن است با نظرات قبلی تفاوت ۱۸۰ درجه ای داشته باشد حکم قضیه را صادر کند.